

تأثیر مهاجرت بر تغییر پذیری انسجام اجتماعی¹

کاظم مجتبابی،² مهرداد نوابخش،³ علیرضا کلدی،⁴ قادر زارع مهدوی⁵

تاریخ دریافت: 98/11/20

تاریخ پذیرش: 99/01/30

از صفحه 51 تا 70

پژوهش‌نامه نظم و امنیت انتظامی، سال سیزدهم،
شماره دوم (پیاپی پنجاهم)، تابستان 1399

چکیده

مقدمه: یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های تأمین‌کننده ساختار امنیت اجتماعی در هر جامعه، مقوله انسجام و یکپارچگی اجتماعی است. بدین معنا که همگان برای حفظ جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کنند، هدفی مشترک داشته باشند. هدف این پژوهش، بررسی تغییر انسجام اجتماعی ناشی از مهاجرت در شهر قم است.

روش: این پژوهش از نظر هدف، کاربردی و از نظر روش، آمیخته است که در آن از دو روش مصاحبه ساختاریافته با 30 نفر از افراد خبره و پرسشنامه محقق‌ساخته به تعداد 384 نفر از افراد بالای 18 سال ساکن در قم به‌عنوان حجم نمونه و با استفاده از فرمول کوکران انتخاب شده و سپس، از آن‌ها خواسته شد با توجه به هر شاخص، نظر خود را در یک طیف پنج‌گزینه‌ای بیان کنند.

یافته‌ها: بر اساس یافته‌های تحقیق از شاخص‌های مربوط به انسجام اجتماعی شامل همکاری بین افراد و گروه‌ها، تقویت یا تضعیف خرده‌فرهنگ‌ها، تعهد اجتماعی بین افراد، هم‌رنگ‌شدن باورهای افراد، همبستگی در سلاقی و ذائقه‌های افراد، تغییر در دیدگاه افراد با قومیت‌های مختلف، شیوع وصلت در میان افراد با قومیت‌های مختلف، میزان وابستگی فرهنگی و جدایی‌گزینی قومیتی، تنها تغییر در دیدگاه افراد با قومیت‌های مختلف و جدایی‌گزینی قومیتی برای سکونت، در وضعیت مناسبی قرار داشته و مابقی شاخص‌ها از وضعیت مناسبی برخوردار نبودند.

نتیجه‌گیری: به نظر می‌رسد با توجه به تغییر وضعیت انسجام اجتماعی در شهر قم و عدم برخورداری از وضعیت مناسب، در صورتی که ظرفیت‌های مدیریت اجتماعی، انسجام مطالبات را در لایه‌های مختلف فراهم و آن را در راستای قدرت ملی فعال نشوند به سمت چالش و تهدید انسجام و تضعیف حوزه‌های نفوذ و مشارکت خواهد رفت.

کلیدواژه‌ها: مهاجرت، انسجام اجتماعی، ساختار و نظم اجتماعی، شهر قم.

1- این مقاله برگرفته از رساله دکتری می باشد.

2- دانشجوی دوره دکتری جامعه‌شناسی، واحد علوم و تحقیقات دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

3- استاد دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران (نویسنده مسئول): mehrdad_navabakhsh@yahoo.com

4- استاد دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران.

5- عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم انتظامی و مطالعات اجتماعی، تهران، ایران.



مقدمه

مهاجرت پدیده‌ای است که امروزه، اغلب کشورها با آن مواجه‌اند و از آن تأثیر می‌پذیرند. این پدیده از دیرباز مورد توجه حکومت‌ها بوده است؛ چراکه اثرات و پیامدهای آن محدود به افراد یا دوره خاصی نیست، بلکه در بلندمدت بر زندگی فردی و اجتماعی سایه می‌افکند. مهاجرت‌های داخلی ایران، نتیجه توزیع نابرابر جمعیت در ارتباط با امکانات طبیعی، عدم توزیع مناسب اعتبارات عمرانی و سرمایه‌گذاری ملی در بهره‌برداری از منابع طبیعی است که پیامدهای آن در سطح کشور به صورت عدم تعادل منطقه‌ای، تفاوت امکانات شغلی و سایر امکانات اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی، خودنمایی می‌کند. نتیجه چنین روندی آن است که برخی از مناطق جغرافیایی ناگزیر نیروی کار اضافی بالفعل خود را به مناطق دیگر که تقاضا برای نیروی کار اضافی دارد، انتقال دهند (ایمانی، 1386: 35). با گسترش شهر و رشد بی‌سابقه مهاجرت، فرهنگ‌های مختلف که در کنار هم قرار می‌گیرند، اغلب همسو و تقویت‌کننده هم نیستند و بعضاً در تضاد با هم قرار می‌گیرند؛ چراکه جوامع عقاید متفاوتی درباره هویت خویش دارند و این تفاوت‌ها و تنش‌ها، اثرات مهاجرت را در جامعه منعکس می‌کنند که می‌تواند بر انسجام و یکپارچگی اجتماعی تأثیرگذار باشد (ولی‌قلی‌زاده، 1398: 170).

انسجام اجتماعی ویژگی است که در آن نیروی اعمال‌شده بر اعضا و جامعه برای ماندن در گروه، بیش از کل نیروهایی است که می‌کوشد آنان را به ترک گروه وادار سازد و انسجام ایشان را از میان بردارد. چنان‌که گروه‌ها و یا جوامعی که اعضای آن به یکدیگر جذب نشده‌اند، جوامع از هم پاشیده‌ای هستند که از نظر سطح انسجام در پایین‌ترین حد خود قرار دارند (زیبری، کریمی‌موغاری، 1393: 76). انسجام و همگرایی اجتماعی بیش از آن که دغدغه‌ای از «بالا به پایین» باشد، یک دغدغه «از پایین به بالا» است؛ به عبارت دیگر، بیش از آن که بر جمع کردن «مشابهت‌ها» بیاندیشد، به تعریف و بازخوانی تفاوت‌ها نظر دارد. انسجام اجتماعی دغدغه‌اش «هویت» است. آن هم نه هویت انتسابی و ذاتی، بلکه هویت اکتسابی و فرهنگی و کاری که با تعلیم و تربیت درازمدت و به حسب رشته و پایگاه اجتماعی شکل گرفته و «موقعیت شغلی» و حرفه‌ای او را تشکیل داده است (ساعی و عمویی، 1392). این تغییرات انسجام اجتماعی در اثر مهاجرت، صرف‌نظر از طبقات جمعیتی و نوعی به هم ریختگی در ارزش‌های اجتماعی جامعه

شهری مقصد، منجر به شکل‌گیری گروه‌های قومی با خرده‌فرهنگ‌ها، رفتارهای متفاوت و نابهنجار در شهرهای بزرگ می‌شود که شهر قم از این قاعده مستثنی نیست (زهدی و مینایی، 1392: 31).

شهر قم دومین شهر مهم مذهبی کشور می‌باشد؛ شهری که در گذشته از انسجام و ساختار مناسبی برخوردار بوده است و با توجه به موقعیت جغرافیایی و مذهبی و همچنین، ظرفیت مهاجرپذیری آن در سال‌های گذشته، میزبان تعداد زیادی از جمعیت‌های ناهمگون از نظر اجتماعی و فرهنگی بوده است و تغییرات زیادی از نظر ساختار و انسجام اجتماعی در آن پدید آمده است؛ به طوری که چهره این شهر فرهنگی و مذهبی را با تغییرات اجتماعی روبرو ساخته و نگرانی مردم بومی و مذهبی و همین‌طور مسئولین امنیتی و انتظامی را به وجود آورده است. به همین دلیل مسئله اصلی این تحقیق بررسی تأثیر مهاجرت بر تغییرپذیری انسجام اجتماعی در شهر قم است.

پیشینه و مبانی نظری پژوهش

پیشینه پژوهش

تاکنون مطالعات مختلفی در زمینه مهاجرت در سطح کشور انجام شده است، ولی کمتر به تغییرات اجتماعی ناشی از مهاجرت توجه شده است که با توجه به اهمیت ایدئولوژیکی شهر قم و مسئله تغییر شاخص‌های ساختار و نظم اجتماعی در این شهر، نویسنده سعی کرده است این موضوع را بیشتر مورد مذاقه قرار دهد. در ادامه، به برخی از پژوهش‌های مرتبط با موضوع این پژوهش اشاره می‌شود.

- شهبازین (1397)، در پژوهش خود به بررسی مهاجرت داخلی ایران: نقش مهاجرت داخلی در بازتوزیع جمعیت در شهرستان‌های کشور طی دوره 1395-1375 پرداخته و یافته‌ها نشان داده است که در هر پنج دوره بیش از 50 درصد شهرستان‌های کشور دارای اثربخشی منفی بودند. با وجود این تفاوت شهرستانی و نیز تفاوت در پنج دوره، اما الگوی فضایی یکسانی از نظر شدت مهاجرت و اثربخشی مهاجرت بر کشور حاکم است. شهرستان‌های نواحی مرزی همواره دارای پایین‌ترین شدت مهاجرت و در نتیجه، نرخ اثربخشی منفی بوده‌اند؛ این در



حالی است که شهرستان‌های مرکزی کشور طی دوره مورد بررسی، همواره روند مهاجرپذیری را تجربه کرده و نرخ اثربخشی مهاجرت در آن‌ها مثبت بوده است. بررسی تغییر الگوهای سکونتی جمعیت با استفاده از رابطه میزان خالص مهاجرت و تراکم جمعیت نیز نشان داد که مسیر مهاجرتی داخلی ایران جز در دوره 90-1385، همواره از مناطق با تراکم جمعیتی پایین به سمت مناطق با تراکم جمعیتی بالا بوده است و تنها در این دوره، مسیر مهاجرت از سمت مناطق پرتراکم به مناطق کم‌تراکم بوده است. نتیجه این روند مهاجرتی کشور افزایش نابرابری‌های منطقه‌ای و در نتیجه، تشدید جریان‌های مهاجرتی در کشور بوده است.

- شریفی اردانی (1398)، در تحقیقی به اثر مهاجرت بر تبدیل روستاها به شهر (مورد مطالعه: شاهدشهر شهرستان شهریار) پرداخته است. نتایج تحقیق نشان داده است که در منطقه مورد مطالعه، میان پدیده مهاجرت و عواملی چون متغیرهای مختلف جمعیتی، خاستگاه جغرافیایی مهاجران، مشکلات مناطق مبدأ مهاجران و انتظاراتی چون امید دسترسی به اشتغال، امکانات رفاهی، آموزشی، تسهیلات خدماتی و ... رابطه وجود دارد و با شناخت بهتر این روابط می‌توان روند روبه‌افزایش مهاجرت‌های ناخواسته به این شهر را کنترل کرده و نسبت به ساماندهی مشکلات ناشی از مهاجرت‌های بی‌رویه به این شهر اقدام کرد.
- قیاسی و همکارانش (1393)، در پژوهشی با توجه به نقش و جایگاه مهاجرت در بازتوزیع فضایی جمعیت در سرزمین، به برنامه‌ریزی راهبردی به منظور کاهش مهاجرت در شهر بهاباد با استفاده از فن SWOT پرداخته‌اند. نتایج تحقیق آن‌ها نشان داد که به منظور کاهش مهاجرت در شهر بهاباد، بایستی از توانمندی‌ها و پتانسیل‌های این شهر جهت بهره‌گیری از فرصت‌های پیش‌رو به نحو احسن استفاده کرد تا بتوان در زمینه کاهش مهاجرت‌ها در شهر بهاباد موفق بود.
- مهماندار و همکاران (1389)، در پژوهشی به بررسی علل مهاجرت‌های غیرقانونی و تأثیر آن بر نظم و امنیت پرداختند. نتایج تحقیق نشان داد که افزایش مخارج دولتی در عمران روستاها، کاهش شکاف دستمزد میان شهر و

روستا و همچنین سرمایه‌گذاری در بخش کشاورزی منجر به کاهش روند مهاجرت به شهرها خواهد شد. همچنین افزایش شاخص قیمت محصولات کشاورزی، افزایش نرخ باسوادی، رشد اقتصادی و افزایش سطح زیرکشت از طریق اثرگذاری مثبت بر سرمایه‌گذاری کشاورزی، منجر به کاهش مهاجرت از روستا به شهر خواهند شد. بر اساس نتایج این طرح پیشنهاد می‌شود که مخارج عمران و توسعه روستاها توسط دولت افزایش یابد؛ شکاف دستمزد نیروی کار بین شهر و روستا کاهش یابد و دولت علاوه بر اهداء تسهیلات به کشاورزان جهت سرمایه‌گذاری، باید از طریق مشوق‌ها موجبات حضور بخش خصوصی جهت سرمایه‌گذاری در بخش کشاورزی و نواحی روستایی را فراهم کند.

مبانی نظری پژوهش

نظریه مهاجرت:

نظریه‌های مهاجرت متعدد بوده، و در یک دسته‌بندی عام می‌توان آن‌ها را در سه گروه تقسیم کرد: گروه اول، نظریه‌هایی هستند که در چهارچوب اقتصاد آزاد شکل گرفته‌اند و سعی دارند که با اصل عرضه و تقاضا، مهاجرت را توضیح دهند؛ گروه دوم، نظریه‌هایی هستند که نابرابری ساختاری را مبنای مهاجرت می‌دانند و گروه سوم، نظریه‌هایی اجتماعی - اقتصادی مهاجرت هستند.

نظریه‌پردازان گروه اول معتقدند که انگیزه‌های اقتصادی مهاجران از سایر انگیزه‌ها قوی‌تر است و در درجه اول، ملاحظات اقتصادی، یعنی توزیع نابرابر سرمایه و نیروی کار و به تبع آن، تفاوت در دستمزدها است که فرد را به مهاجرت ترغیب می‌کند. مایکل تودار بیان می‌کند که مهاجرت اساساً بر پایه اقتصادی و عقلایی فرد مهاجر استوار است.

از معروف‌ترین دیدگاه‌های اقتصادی مهاجرت، نظریه «هزینه - فایده» و نظریه «درآمد انتظاری» است. در نظریه هزینه - فایده، فرض اساسی این است که افراد وقتی تصمیم به مهاجرت می‌گیرند که فایده مهاجرت کردن به هزینه آن افزونی داشته باشد؛ به عبارت ساده‌تر، این نظریه مهاجران را انسان‌هایی فرض می‌کند که چرتکه‌ای در دست داشته و سود و زیان حرکت به منطقه جدید را حساب می‌کنند.



بر اساس نظریه درآمد انتظاری، تصمیم برای مهاجرت بستگی به برداشت از درآمد انتظاری در مقصد دارد. بر مبنای این نظریه، مهاجرت از روستا به شهر آن قدر ادامه می‌یابد تا درآمد انتظاری بین شهر و روستا یکسان شود (لهسایی‌زاده، 1368: 106-105).

مهاجرت چه در سطح کلان آن و چه در ابعاد خردتر، آن قدر پدیده‌ای پیچیده و چند بعدی است که نمی‌توان تنها یک یا چند عامل را به آن نسبت داد، یا چند نظریه را کنار هم قرار داد و بر مبنای آن، این پدیده را مورد بررسی قرار داد؛ بلکه به جرأت می‌توان گفت که عوامل مختلفی در کنار هم این پدیده را موجب می‌شوند و در نهایت، فرد یا گروهی دست به مهاجرت می‌زنند (سامیان و موحدی، 1397: 170).

نظریه انسجام اجتماعی:

یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های تأمین‌کننده ساختار امنیت اجتماعی در هر جامعه‌ای، مقوله مهم «انسجام و یکپارچگی اجتماعی»¹ می‌باشد. یکپارچگی اجتماعی بدین معنا نیست که همگان یک گونه بیندیشند، یا یک گونه رفتار کنند، بلکه منظور این است که همگان برای حفظ جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کنند، هدفی مشترک داشته باشند. در روانشناسی اجتماعی از پدیده‌ای به‌عنوان روح نزدیک بودن و یا عدم آن در یک جامعه و یا گروه سخن می‌گویند که اثر مهمی روی رفتار افراد جامعه به جا می‌گذارد. در گروه‌های اجتماعی می‌توان به آسانی این مسئله را شناسایی و آثار و پیامدهای وجودی و ملموس آن را ردگیری کرد. در تعریف انسجام می‌گویند که ویژگی‌ای است که در آن نیروی اعمال شده بر اعضا و جامعه برای ماندن در گروه، بیش از کل نیروهایی است که می‌کوشد آنان را به ترک گروه وادار سازد و انسجام ایشان را از میان بردارد. به سخن دیگر، گروه‌ها و جوامعی که در آن‌ها اعضا یکدیگر را دوست دارند و می‌خواهند در حضور یکدیگر باقی بمانند و فعالیت کنند، گروه‌ها و جوامع منسجم هستند. چنان‌که گروه‌ها و یا جوامعی که اعضای آن به یکدیگر جذب نشده‌اند، جوامع از هم پاشیده‌ای هستند که از نظر سطح انسجام در پایین‌ترین حد خود قرار دارند (زیبری، کریمی‌موغاری، 1392).

1 - social integration

به عبارت دیگر، یکپارچگی اجتماعی یا با هم بودن، مشخصه‌ها، مفهوم، علل و عوامل و آثاری دارد که اگر مورد دقت نظر و توجه واقع شود، می‌تواند برکات متعددی برای جامعه داشته باشد؛ بنابراین برای با هم بودن یا «یکپارچگی»، از دو پارادایم «انسجام اجتماعی» و «وحدت اجتماعی»¹ می‌توان سخن گفت. به طوری که انسجام اجتماعی یا همگرایی اجتماعی یک مفهوم اجتماعی است که خواهان سامان‌دهی مشابهت‌ها و تمایزها در جامعه است. انسجام اجتماعی، پیش‌فرض این است که آدم‌ها خواسته‌ها و نیازهای مختلف دارند. در عین این که به ذائقه و نیاز آن‌ها توجه می‌شود به تفاوتش با دیگران نیز التفات می‌شود. این مفهوم را در ویژگی‌های زیر پی می‌گیریم (زبیری، کریمی‌موغاری، 1392: 51):

- انسجام و همگرایی اجتماعی بیش از آن که دغدغه‌ای از «بالا به پایین» باشد یک دغدغه «از پایین به بالا» است؛ به عبارت دیگر، بیش از آن که بر جمع کردن «مشابهت‌ها» بیندیشد، به تعریف و بازخوانی تفاوت‌ها نظر دارد. گوناگونی‌ها و تفاوت‌ها البته شیر و خرما و هندوانه و آش‌رشته و کره و پنیر و تخم مرغ و... نیست که در یک یخچال نگهداری شوند و همه به خاطر در کنار هم بودن، بو و طعم خود را از دست دهد یا به دیگری سرایت کند.

- انسجام اجتماعی دغدغه‌اش «هویت» است؛ آن هم نه هویت انتسابی و ذاتی، بلکه هویت اکتسابی و فرهنگی و کاری که با تعلیم و تربیت درازمدت و به حسب رشته و پایگاه اجتماعی شکل گرفته و «موقعیت شغلی» و حرفه‌ای او را تشکیل داده است (کریمی و همکاران، 1391).

- انسجام اجتماعی «موقعیت‌ها» و وضعیت‌های افراد را در نظر می‌گیرد و نمی‌خواهد مرض‌های مختلف را با داروی واحد نسخه کند.

- انسجام اجتماعی «تفاوت‌های فرهنگی» را در روابط آدم‌ها در نظر می‌گیرد.

- انسجام اجتماعی در عین این که نگران اخلاق عمومی است، دلتنگران «اخلاق حرفه‌ای» است.



- انسجام اجتماعی از یک «نگرانی اجتماعی» برمی‌خیزد نه نگرانی‌های «الهیاتی» و غیره.
- پارادایم انسجام اجتماعی تلاش می‌کند مخاطب را «اقناع» کند نه «ساکت».
- انسجام اجتماعی بیش از آن که وابسته به رویه استدلال‌گرایی باشد سعی می‌کند با «عمل کردن» و «عرضه کردن» خود را نشان دهد.
- روابط آدم‌ها نه بر اساس «نظمی مکانیکی»، بلکه بر اساس «نظمی ارگانیکی» است. منظور از نظم مکانیکی این است که اختیار افراد تابعی از نظم عمومی است؛ از اختیار فردی بهره‌مند نیست؛ به جای این که تصمیم و اختیار او بر جمع تأثیرگذار باشد، این جمع است که بر او تأثیر می‌گذارد.

چنانچه امیل دورکیم در نظریه خود معتقد است که این جامعه‌شناسی است که تمامی اختیار و اراده را به جامعه می‌سپارد و جامعه را مهم‌ترین عنصر برای حفظ انسجام می‌داند؛ به عبارت دیگر، انسان‌ها موظف‌اند که موجودیت جامعه را در همه احوال حفظ کنند. دورکیم فرد را در جامعه مؤثر می‌داند؛ فرد به حدی ناتوان است که خارج از جامعه هیچ یک از نیازهایش را نمی‌تواند پاسخ گوید. اساس مهم برای دورکیم حفظ یکپارچگی و انسجام جامعه است. به عبارت دیگر، وقتی جامعه‌ای سالم است که یکپارچگی و وحدت آن حفظ شود. وقتی این یکپارچگی از بین برود مسائل و مشکلات پی‌درپی ظهور می‌کنند (دورکیم، 1360).

نظریه لاری ساستاد¹:

لاری ساستاد به مسئله مهاجرت از دیدگاه سرمایه‌گذاری می‌پردازد. وی الگوی سرمایه‌انسانی در مهاجرت را تصمیمی برای سرمایه‌گذاری فردی معرفی می‌کند. با توجه به سطح مهاجرت، افراد ارزش فعلی سرمایه‌انسانی را در مقصد و در مقایسه با موقعیتی که در مبدأ دارند، محاسبه می‌کنند. اگر بازده خالص هزینه فعلی مهاجرت در مقصد بزرگ‌تر از بازده کشور مبدأ باشد، مهاجرت رخ می‌دهد. ساستاد، در الگوی خود، به هزینه‌های مهاجرت و درآمدهای قابل‌انتظار مبدأ و مقصد می‌پردازد و آن‌ها را از

1 - Sjastad

مهم‌ترین عوامل مؤثر بر مهاجرت می‌داند. در این حالت، هزینه انتقال شامل هزینه‌های مالی (مانند هزینه مسافرت، تفاوت در هزینه زندگی، درآمد پیشین در هنگام مهاجرت) و افزایش هزینه‌های روانی (برای نمونه، جدایی از خانواده و دوستان) می‌شود. بر اساس این نظریه، هر نوع ارزشیابی شخصی از سود و زیان، به خصوصیات فردی مانند سن، جنس و تحصیل بستگی دارد. فرد مهاجر تمامی این هزینه‌ها را محاسبه می‌کند و درآمد مورد انتظار در مقصد و درآمد مورد انتظار در مبدأ را مورد توجه قرار می‌دهد و با مقایسه آنها، برای مهاجرت تصمیم‌گیری می‌کند و مهاجرت زمانی صورت می‌گیرد که هزینه واقعی مهاجرت کمتر از درآمد قابل انتظار مقصد باشد. به نظر او، مهاجر وقتی اقدام به مهاجرت می‌کند که این امر دارای بازده اقتصادی باشد در غیر این صورت، حتی اگر درآمد قابل‌انتظار در مقصد بیش از درآمد مبدأ باشد، باز هم مهاجرتی انجام نمی‌گیرد (کریمی، 1385: 39).

نظریه آرتور لوئیس:

نظریه آرتور لوئیس (1954) که بعدها به‌وسیله فی و رانیس تکمیل شد، مهاجرت را در بطن فرآیندهای توسعه اقتصادی تبیین می‌کند. به نظر آنان، در یک اقتصاد دوگانه که از بخش نوین سرمایه‌داری و بخش سنتی معیشتی تشکیل شده باشد، به دلیل آنکه بخش نوین اقتصادی بر پایه بهره‌وری از نیروی کار برای تولید و سپس، فروش و تحصیل سود شکل گرفته است، در مقابل بخش سنتی معیشتی قرار می‌گیرد که بخش خوداشتغال بوده و به علت بهره‌گیری اقتصادی از سرمایه و فناوری، از بازدهی و بهره‌وری کمتری برخوردار است؛ به‌گونه‌ای که حتی بازده نیروی کار در آن می‌تواند ناچیز و حتی نزدیک به صفر باشد. وضعیتی که اقتصاددانان از آن به‌عنوان «بیکاری پنهان» نام می‌برند. در چنین شرایطی، بخش اقتصاد سنتی دارای مازاد نیروی کار است که بازدهی اندکی دارد و بخش انتقال نوین نیازمند نیروی کار است تا از بازده اقتصادی آن بهره‌مند شود. از این‌رو، انتقال نیروی کار از بخش سنتی به بخش نوین اقتصادی، به ایجاد ارزش اضافی در بخش سرمایه‌داری منجر شده و با گسترش بخش سرمایه‌داری، نسبت پس‌انداز اضافی در بخش تولید ناخالص ملی افزایش می‌یابد. تا وقتی که چنین وضعی ادامه داشته باشد، مهاجرت نیز استمرار می‌یابد و حتی تشدید هم می‌شود. این وضع نه تنها به رونق بخش سرمایه‌داری نوین منجر می‌شود، بلکه حتی در بخش اقتصاد



معیشتی نیز به دلیل کاستن از تعداد بیکاران پنهان که مترادف با کاهش هزینه تولید است، قیمت تمام شده تولیدات بخش سنتی را نیز منطقی‌تر کرده و به رشد و شکوفایی آن می‌انجامد و در نتیجه، شکاف موجود بین رشد بخش نوین و سنتی را کاهش داده و توسعه متوازی را در آن دو بخش امکان‌پذیرتر می‌کند (زنجانی، 1380: 135-134).

نظریه جامعه‌شناسی مهاجرت اجباری¹ کاستلز²

کاستلز معتقد است که این نظریه باید در زمینه تغییرات اجتماعی جهانی مورد بحث قرار گیرد، زیرا مهاجرت اجباری به صورت اعجاب‌آوری رشد کرده و بخش جدایی‌ناپذیری از جهانی شدن در نظر گرفته شده که بیانگر روابط بین کشورهای شمال - جنوب در دوران بعد از جنگ سرد می‌باشد. همچنین، این نظریه ارتباط تنگاتنگی با فرایندهای پیچیده تغییرات اجتماعی، هم در جامعه مبدأ و هم در جوامع مقصد دارد؛ بنابراین جامعه‌شناسی مهاجرت اجباری نمی‌تواند در انزوا شکل بگیرد؛ باید خود را به‌عنوان بخشی از طرح بین‌رشته‌ای و فراملی در نظر بگیرد که از طریق ابعاد اجتماعی، فرهنگی و سیاسی مهاجرت اجباری قابل درک می‌شود (حاج حسینی، 1385: 41).

انواع مختلفی از مهاجرت اجباری وجود دارد که گاهی اوقات تشخیص دادن آن‌ها مشکل است. میلیون‌ها نفر از مردم بر اثر توسعه بعضی از پروژه‌ها مثل احداث سد، فرودگاه، جاده، خانه‌های ویلایی، مناطق حفاظت‌شده و پارک‌های بازی، مجبور به جابجایی می‌شوند. بانک جهانی³ تعداد آن‌ها را 10 میلیون نفر در یک سال تخمین زده است. علاوه بر این، تعداد زیادی از مردم به خاطر تخریب‌های محیطی، فجایع طبیعی، حوادث صنعتی و یا آلودگی، مجبور به مهاجرت می‌شوند. در این موارد، بسیار مشکل است که میان عوامل محیطی، اقتصادی و سیاسی تمایز قائل شویم؛ بنابراین زدن برچسب «پناهنده محیطی»⁴ به این موارد، گمراه‌کننده و حتی نابجا است؛ زیرا دلایل بسیار پیچیده‌ای برای این مهاجرت‌ها می‌توان در نظر گرفت (توکل، عرفان‌منش، 1394: 87).

1 - sociology of forced migration

2 - Castles

3 - world bank

4 - environmental refugee

از نظر کاستلز، شکل نهایی مهاجرت اجباری، قاچاق انسان در طول مرزهای بین‌المللی خواهد بود که برای اهداف استثماری انجام می‌شود. قاچاق زنان و کودکان برای صنعت سکس در سراسر جهان رواج یافته است. باندهای تبهکار تایلندی و ژاپنی، زنان را در دام فحشاء گرفتار می‌کنند؛ با این ادعا که به آن‌ها شغل‌هایی همچون منشی‌گری را اعطا خواهند کرد؛ مصدومان جنگ داخلی در یوگوسلاوی سابق، گرجستان و آذربایجان به فاحشه‌خانه‌های¹ اروپای غربی فروخته شدند. تقاضای بالا برای کار در کشورهای شمال، همراه با موانع شدید برای ورود به این کشورها، فرصت‌های تجاری را برای یک صنعت جدید مهاجرت² فراهم کرده است که شامل مشارکت‌کنندگان قانونی، همچون آژانس‌های مسافرتی، شرکت‌های کشتیرانی، بانک‌ها و همچنین شامل عوامل غیرقانونی نیز می‌شوند (زمانی، 1394: 65).

خشونت و مهاجرت اجباری باعث دگرگونی‌های اجتماعی در کشور مبدأ می‌شود؛ در نتیجه آن، منابع اقتصادی تخریب شده، شیوه‌های سنتی زندگی رو به افول رفته و اجتماعات از هم می‌پاشند. پس مهاجرت اجباری عاملی است که به شدت توسعه را به تأخیر انداخته، ارتباطات اجتماعی را تضعیف کرده و ظرفیت جامعه و اجتماع را برای دست یافتن به یک تغییر مثبت کاهش می‌دهد و این امر تهدیدی امنیتی برای کشورهای شمال نیز به شمار می‌رود؛ چرا که منجر به شکل‌گیری رویکردهایی می‌شود که غیرقابل پیش‌بینی و ناخواسته‌اند. تقویت شبکه‌های غیررسمی بین‌المللی³ مثل جرائم بین‌المللی،⁴ قاچاق مواد مخدر،⁵ قاچاق انسان⁶ و همچنین گسترش شبکه‌های مهاجران⁷ که تحرک غیرقانونی را تسهیل می‌کند و شبکه القاعده⁸ نمونه‌ای از بازتولید این فرایند می‌باشد. برای دگرگونی کل جوامع و جلوگیری از تضاد و دست‌یافتن به تغییرات اجتماعی - اقتصادی باید دو عامل انسان‌گرایی⁹ و سیاست‌های توسعه‌ای¹⁰ را به

1 -brothels

2 -migration industry

3 -transnational informal networks

4 -international crime

5 -drug trade

6 -people smuggling

7 Migrant networks

8 -Al Qaida network

9 -humanitarianism

10 -development policy



صورت مشترک باهم اعمال کرد؛ چنان که جوزف استیگلیتز¹، برنده جایزه نوبل اقتصاد و معاون ارشد بانک جهانی، در سخنرانی مشهور خود در سال 1998 معتقد است توسعه از طریق تغییرات اساسی در ارزش‌های فرهنگی و روابط اجتماعی حاصل خواهد شد که سازمان‌های بین‌المللی باید در این امر فعال باشند؛ بنابراین از دیدگاه کشورهای حوزه شمال و سازمان‌های بین‌المللی، توسعه بدون امنیت و صلح حاصل نخواهد شد؛ لذا کنش‌های انسان‌گرایانه و دخالت‌های نظامی برای بازگرداندن صلح در کشورهای بحران‌زده الزامی است که این امر از طریق تحمیل ساختارهای اقتصادی و سیاسی خاصی و تحت نظارت نظام لیبرال جهانی و شبکه‌ای² حاصل خواهد شد و این سیستم وظیفه دارد تا نگرش‌ها و اعتقادات ساکنان کل جوامع را دگرگون سازد.

به نظر کاستلز، مهاجرت اجباری همچنین باعث تغییراتی اجتماعی در جوامع شمالی (جوامع مقصد مهاجران) نیز می‌شود که جمعیت به لحاظ اجتماعی و فرهنگی متنوع می‌شود و اجتماعات فراملی گسترش پیدا می‌کند. این امر زمانی پیچیده می‌شود که مهاجرت اجباری با عواملی چند همراه می‌شود: بحران اقتصادی، آغاز فرایند سازمان‌دهی مجدد ساختار اقتصادی، صنعت‌زدایی کردن، خصوصی‌سازی و کاهش کنترل‌های دولتی در زمینه جهانی. نتیجه این امر، سیاسی شدن مهاجرت و پناهندگی در بحث‌های عمومی و گسترش گفتمان غالب در میان سیاست‌مداران هنگام کارزارهای انتخاباتی بوده که مهاجران را غیرقانونی جلوه می‌دهند و پیامد آن، خشونت‌های نژادپرستانه در جامعه بوده که حضور مهاجران در فضای اجتماع، غیرقانونی شمرده می‌شود. نویسنده، سپس از کشورهای میانه‌ای³ نام می‌برد که اکثر آن‌ها به لحاظ جغرافیایی متعلق به حوزه جنوب بوده، اما خیزش صنعتی و اقتصادی را شروع کرده‌اند؛ کشورهایی مثل بیره‌ای آسیا⁴ (کره جنوبی، تایوان، سنگاپور و هنگ‌کنگ) و بیره‌ای کوچک⁵ (مالزی و تایلند) و همچنین، کشورهای گول‌پیکری همچون هند، چین، مکزیک و برزیل که در تمام این مناطق نیز فرآیندهای مهاجرت اجباری مطرح می‌شود (کوزر، 1383: 52-56).

1 -Joseph Stiglitz

2 -networked global liberal governance

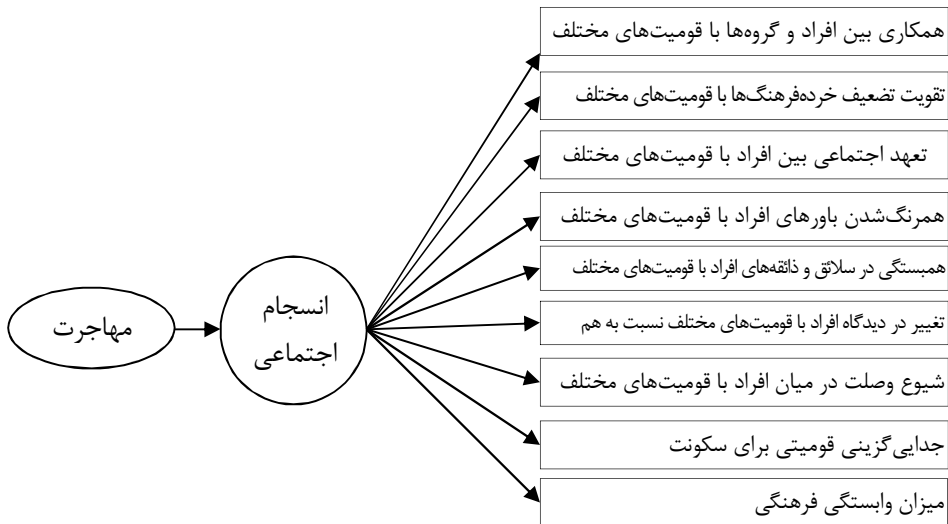
3 -intermediate countries

4 -asian tigers

5 -little tigers

مدل مفهومی تحقیق

در این مدل، تأثیر مهاجرت بر انسجام اجتماعی که دارای 9 شاخص است، نشان داده شده است.



شکل ۱: مدل مفهومی تحقیق

روش‌شناسی

پایه هر علمی، شناخت روش آن است و اعتبار و ارزش قوانین هر علمی به روش‌شناسی است که در آن علم به کار رفته است (رحمانی، 1387: 120) پژوهش حاضر از لحاظ هدف، کاربردی و از لحاظ روش، تحقیق آمیخته است؛ به این شکل که از دو روش مصاحبه ساختاریافته با 30 نفر از افراد و کارشناسان خبره به صورت کیفی و به منظور تعیین شاخص‌های مربوط به انسجام اجتماعی و همچنین، روش کمی با استفاده از پرسشنامه محقق‌ساخته به تعداد 384 نفر از افراد بالای 18 سال ساکن در استان قم به عنوان حجم نمونه با بهره‌گیری از فرمول کوکران استفاده شد. ابتدا، مصاحبه‌های ساختاریافته با خبرگان متخصص در حوزه جامعه‌شناسی و موضوع پژوهش و آشنا به استان قم، انجام گرفت و از آن‌ها خواسته شد شاخص‌های تغییر انسجام اجتماعی ناشی از مهاجرت در استان قم را معرفی کنند. با تحلیل محتوای متن مصاحبه‌ها، این



شاخص‌ها در 9 عنوان جای گرفتند. سپس، این شاخص‌ها در قالب پرسشنامه‌ای با نظر اساتید راهنما در اختیار جامعه هدف قرار گرفت و از آن‌ها خواسته شد با توجه به هر شاخص، نظر خود را در یک طیف پنج‌گزینه‌ای بیان کنند؛ بنابراین روش تحقیق حاضر کاربردی و رویکردی آمیخته دارد؛ به شکلی که نخست، بخش کیفی، یعنی شناسایی شاخص‌های انسجام اجتماعی و سپس، بخش کمی و پیمایشی در جامعه انجام گرفته و بر اساس نرم‌افزار AMOS تحلیل و اجرا شده است.

یافته‌ها

اطلاعات جمعیت‌شناختی

جدول 1: توزیع فراوانی پاسخگویان برحسب جنسیت

جنسیت	فراوانی	درصد فراوانی
زن	138	35/9
مرد	246	64/1
کل	384	100

نتایج جدول شماره (1) نشان می‌دهد که حدود 36 درصد از پاسخگویان زن و حدود 64 درصد مرد می‌باشند.

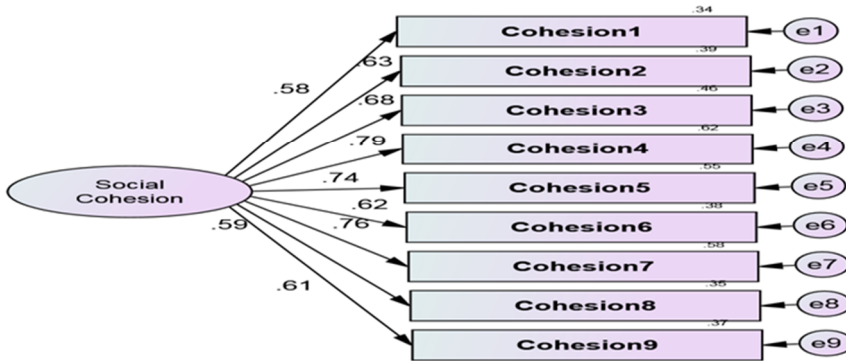
جدول 2: توزیع فراوانی پاسخگویان برحسب وضعیت بومی بودن

وضعیت	فراوانی	درصد فراوانی
بومی استان قم	187	48/7
مهاجر از سایر شهرهای ایران	178	46/4
مهاجر از سایر کشورها	19	4/9
کل	384	100

نتایج جدول شماره (2) نشان می‌دهد که 48/7 درصد از پاسخگویان بومی استان قم هستند و 46/4 مهاجر از سایر استان‌ها بودند. پاسخگوبانی که از سایر کشورها بودند، حدود پنج درصد حجم پاسخگویان را تشکیل داده‌اند.

تحلیل عاملی تأییدی برای انسجام اجتماعی

Chi-square (df) = 85.671 (27); Pvalue (≥ 0.05) = .000;
 Relative Chi-Sq (≤ 5) = 3.173; RMR (≤ 0.08) = .075;
 GFI (≥ 0.9) = .965; CFI (≥ 0.9) = .892; IFI (≥ 0.9) = .906;
 RMSEA (≤ 0.08) = .080
 (Standardized estimates)



شکل 2: تحلیل عاملی تأییدی انسجام اجتماعی

جدول 3: شاخص‌های برازش مدل

شاخص	نام اختصاری	قابل قبول
شاخص‌های مطلق برازش ^۱		
کای اسکوئر ^۲	χ^2 (df, p)	$P \geq \alpha$
شاخص نیکویی برازش ^۳	GFI	حداقل ۰/۹
ریشه دوم میانگین مربعات خطای برآورد ^۴	RMSEA	حداکثر ۰/۰۸
ریشه دوم میانگین مربعات باقیمانده ^۵	RMR	حداکثر ۰/۰۸
شاخص‌های برازش افزایشی ^۶		
شاخص توکر-لویز ^۷	TLI	حداقل ۰/۹
شاخص برازش هنجار شده ^۸	NFI	حداقل ۰/۹
شاخص برازش تطبیقی ^۹	CFI	حداقل ۰/۹
شاخص‌های برازش مقتصد ^{۱۰}		
کای اسکوئر نسبی ^{۱۱}	χ^2 / df	$\chi^2 / df \leq 5$

برای بررسی مدل انسجام اجتماعی، ابتدا، بارهای عاملی بررسی می‌شود؛ اگر بارهای عاملی بیش از 0/5 بود، قابل قبول است. همان‌طور که مشاهده می‌شود، بارهای عاملی در فاصله 0/58 تا 0/79 قرار دارند که همگی بیش از 0/5 می‌باشند و مقادیر T برای معناداری بارهای عاملی بین 6/215 تا 10/122 قرار دارد که نشان از اعتبار خوب داده‌ها



است. همچنین، چنانچه حداقل سه شاخص برازش در محدوده قابل قبول باشد، مدل برازش می‌شود. در مدل انسجام اجتماعی، شاخص‌های RMR، GFI، IFI و RMSEA، به ترتیب، برابر با 0/075، 0/965، 0/906 و 0/080 می‌باشد که همگی در محدوده قابل قبول قرار دارند. کای اسکور نسبی برابر با 3/173 و کمتر از عدد 5 و قابل قبول است؛ بنابراین، مدل سازه انسجام اجتماعی با نه شاخص برازش می‌شود.

بررسی وضعیت انسجام اجتماعی در شهر قم از نظر خبرگان

جهت بررسی وضعیت انسجام اجتماعی در شهر قم از آزمون تی استفاده شد. نتایج در جدول زیر ارائه شده است.

جدول 4: نتایج آزمون تی برای بررسی وضعیت انسجام اجتماعی و ابعاد آن

متغیر	مقدار مفروض تی= 3			
	میانگین	مقدار تی	درجه آزادی	ضریب معناداری
انسجام اجتماعی	29578	1253	211	-0.4225
شاخص 1	29349	1359	175	-0.6510
شاخص 2	29646	1945	003	-0.13542
شاخص 3	29688	1672	502	-0.3125
شاخص 4	29672	2684	008	-0.13281
شاخص 5	29219	1602	110	-0.7812
شاخص 6	32005	3800	000	-0.20052
شاخص 7	29328	5892	000	-0.36719
شاخص 8	29505	10000	318	-0.4948
شاخص 9	32786	5431	000	-0.27865

برای بررسی وضعیت شاخص‌ها و ابعاد از نظر خبرگان، از آزمون تی تک‌نمونه استفاده شد. با توجه به بررسی‌های انجام گرفته و نظرات خبرگان، در طیف پنج درجه‌ای لیکرت، مقدار بالاتر از 3 برای میانگین هر متغیر در صورتی که معنادار باشد، بیانگر این است که آن شاخص در وضعیت مناسب قرار دارد؛ بنابراین چنانچه امتیاز یک متغیر حداکثر برابر با 3 باشد (در صورت معنادار بودن)، وضعیت این متغیر مناسب شناخته نمی‌شود؛ بنابراین نتایج نشان می‌دهد که اکثر شاخص‌ها میانگین کمتر از 3 می‌باشد که نشان می‌دهد وضعیت انسجام اجتماعی در شهر قم پایین‌تر از سطح متوسط

جامعه است. علاوه بر این، شاخص‌های 1، 3 و 8 تفاوت معناداری ندارند و برای بقیه شاخص‌ها وضعیت انسجام اجتماعی پایین‌تر از حد متوسط است.

بحث و نتیجه‌گیری

بر اساس یافته‌های تحقیق، انسجام اجتماعی دارای شاخص‌های همکاری بین افراد و گروه‌ها با قومیت‌های مختلف، تقویت/تضعیف خرده‌فرهنگ‌ها با قومیت‌های مختلف، تعهد اجتماعی بین افراد با قومیت‌های مختلف، هم‌رنگ‌شدن باورهای افراد با قومیت‌های مختلف، همبستگی در سلائق و ذائقه‌های افراد با قومیت‌های مختلف، تغییر در دیدگاه افراد با قومیت‌های مختلف نسبت به هم، شیوع وصلت در میان افراد با قومیت‌های مختلف، میزان وابستگی فرهنگی و جدایی‌گزینی قومیتی برای سکونت می‌باشد که از این شاخص‌ها، تنها دو شاخص تغییر در دیدگاه افراد با قومیت‌های مختلف نسبت به هم و جدایی‌گزینی قومیتی برای سکونت، در وضعیت مناسبی قرار داشت و مابقی شاخص‌ها از وضعیت مناسبی برخوردار نبودند. این در حالی است که انسجام اجتماعی و همبستگی ملی می‌تواند به کشور ثبات بخشیده، ضامن امنیت ملی و امنیت اجتماعی در جامعه باشند. به نظر می‌رسد، می‌توان با افزایش ظرفیت‌های مدیریت اجتماعی، انسجام مطالبات را در لایه‌های مختلف فراهم و آن را در راستای قدرت ملی فعال ساخت. در غیر این صورت، بروز ضعف و ناتوانی و بی‌توجهی به این امر، کارکرد دولت و حاکمیت را به سمت چالش و تهدید انسجام و تضعیف حوزه‌های نفوذ و مشارکت پیش برده و با بروز و شکل‌گیری گسل‌های اجتماعی، قابلیت‌های نوظهور جنبش‌ها به سمت نارضایتی سوق داده می‌شود و زمینه‌ساز تنش سیاسی و متعاقب آن، شکل‌گیری ناهنجاری‌ها و هویت‌های غیررسمی برخاسته از آن می‌شود. انسجام اجتماعی در یک حوزه تعاملی متراکم شکل می‌گیرد و عاطفه جمعی، تحکیم و تداوم آن را فراهم می‌کند. انسجام اجتماعی، بیشتر حالتی خودانگیخته دارد و حاصل پذیرش و درونی کردن نظام ارزشی و هنجاری یک جامعه و وجود احساس تعلق جمعی و تراکمی از تعامل اجتماعی در میان اعضای یک جامعه است که در بین آنها، احساس همبستگی به میزان زیاد و قوی وجود دارد.



پیشنهادها

انسجام اجتماعی، بیشتر حالتی خودانگیخته دارد و حاصل درونی کردن نظام ارزشی و هنجاری یک جامعه با ایجاد احساس تعلق جمعی و تعامل اجتماعی در میان اعضای یک جامعه است. بنابراین به نظر می‌رسد:

- 1 - سازمان‌های مسئول در خصوص کنترل آسیب‌های انسجام اجتماعی ناشی از مهاجرت، می‌توانند با افزایش ظرفیت‌های مدیریت اجتماعی برنامه‌ریزی کنند.
- 2- نسبت به افزایش حس همبستگی بین ساکنان شهرها، با ایجاد و افزایش مکان‌های فرهنگی با محوریت شورای شهر و دستگاه‌های فرهنگی اقدام شود. بی‌توجهی به این امر، کارکرد دولت و حاکمیت را به سمت چالش مشارکت پیش برده و با شکل‌گیری گسل‌های اجتماعی، تنش‌های سیاسی و ناهنجاری‌ها قومی و میدان‌داری هویت‌های غیررسمی فراهم می‌شود.
- 3- انسجام اجتماعی در یک حوزه تعاملی متراکم شکل می‌گیرد؛ بنابراین تشویق شهروندان به مشارکت بیشتر و همکاری با نهادهای متولی امورات فرهنگی و امنیتی از طریق رسانه‌ها و مطبوعات می‌تواند از تبعات منفی مهاجرت بر انسجام اجتماعی جلوگیری کند.

منابع

- ایمانی، محمدتقی (1386). مهاجرت در کشورهای جهان سوم. مجله ادبیات دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد، سال بیست و دوم، ش ماره سوم.
- توکل، محمد؛ عرفان منش، ایمان (1394). «رهیافت تلفیقی جامعه‌شناسی علم به مهاجرت نخبگان با تأکید بر جامعه ایران». نشریه سیاست علم و فناوری، (تابستان 1394)، دوره هفتم.
- حاج حسینی، حسین (1385). «سیری در نظریه‌های مهاجرت». فصلنامه راهبرد، شماره چهل و یکم.
- دورکیم، امیل (1360). «جامعه‌شناسی و فلسفه». (ترجمه فرحناز خمسه‌ای)، تهران: وزارت فرهنگ و آموزش عالی.
- زبیری، هدی؛ کریمی موغاری، زهرا (1393). «اثر انسجام اجتماعی بر توسعه اقتصادی (مطالعه بین کشوری با رویکرد داده های تابلویی)». پژوهش‌های رشد و توسعه اقتصادی، دوره چهارم، شماره چهاردهم.
- زمانی، محسن (1394). «بررسی دیدگاه‌ها و نظریات مربوط به مهاجرت با تأکید بر نظریات و دیدگاه‌های مربوط به مهاجرت روستا به شهر». سومین همایش ملی شهرسازی و معماری در گذر زمان، قزوین: دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره).
- زنجانی، حبیب‌الله (1380). «مهاجرت». (چاپ اول)، تهران: انتشارات سمت.
- شهبازین، سعیده (1397). «مهاجرت داخلی ایران: نقش مهاجرت داخلی در بازتوزیع جمعیت در شهرستان‌های کشور طی دوره 1375-1395». (رساله دکتری)، دانشگاه یزد، پردیس علوم انسانی و اجتماعی - دانشکده علوم اجتماعی.
- عبادی‌نژاد، سید علی (1383). «نقش حاشیه‌نشینی در بروز ناامنی». فصلنامه مطالعات امنیت اجتماعی.
- شریفی اردانی، فاطمه (1393). «اثر مهاجرت بر تبدیل روستاها به شهر (مورد مطالعه: شاهدشهر شهرستان شهریار)». (پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد)، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، مجتمع دانشگاهی ولیعصر (عج) - دانشکده ادبیات و علوم انسانی.
- قاسمی، احمد؛ شمس، مجید و امینی نژاد، غلامرضا (1397). «مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی در نواحی مختلف شهری». نشریه آمایش محیط، دوره یازدهم، شماره چهل و دوم.
- قاسمی، محمدحسین؛ حسینی، مصطفی و عین صالحی، محمدرضا (1393). «برنامه‌ریزی استراتژیک به منظور کاهش مهاجرت در شهر بهاباد با استفاده از تکنیک SWOT». دانش انتظامی خراسان رضوی.



- کریمی، زهرا؛ ابونوری، اسماعیل؛ زبیری، هدی (1391). «بررسی نقش انسجام اجتماعی در توسعه اقتصادی». فصلنامه برنامه‌ریزی و بودجه.
- کریمی، علی اکبر (1385). «بررسی نگرش‌های سیاسی حاشیه‌نشینان (مورد مطالعه: نسیم‌شهر)». (پایان‌نامه کارشناسی ارشد)، رشته علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم تحقیقات نیشابور.
- کوزر، لوئیس آلفرد (1383). «نظریه‌های بنیادی جامعه‌شناختی». (ترجمه فرهنگ ارشاد)، تهران، نشر نی.
- لهسایی‌زاده، عبدالعلی (1368). «نظریات مهاجرت». شیراز: انتشارات نوید.
- موحدی، رضا؛ سامیان، مسعود (1397). «بررسی عوامل مؤثر بر مهاجرت روستاییان در شهرستان سردشت». مطالعات برنامه‌ریزی سکونتگاه‌های انسانی (چشم‌انداز جغرافیایی)، بهار 1397.
- مهماندار، محمدرضا؛ محمدی، حمیدرضا؛ محمدی، علی (1389). «بررسی علل مهاجرت‌های غیرقانونی و تأثیر آن بر نظم و امنیت». کتاب مجموعه مقالات برگزیده اولین همایش ملی مهاجرت - نظم و امنیت، (جلد 3)، مشهد مقدس.